

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی و تحلیل مرگ و زندگی انسان، حیوان (گاو) و گیاه در شاهنامه و

مثنوی از منظر نمادگرایی

دانشجو

زهرا فتحی

استاد راهنما

دکتر سعید بزرگ بیگدلی

استاد مشاور

دکتر حسینعلی قبادی

بهمن

۱۳۹۳

به نام خدا

تاییدیه اعضای هیات داوران در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم زهرا فتاحی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان «بررسی و تحلیل مرگ و زندگی انسان، حیوان (گاو) و گیاه در شاهنامه و مثنوی از منظر نمادگرایی» را در تاریخ ۹۳/۱۱/۱۴ از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کند.

| اعضای هیات داوران | نام و نام خانوادگی | رتبه علمی | امضا |
|---------------------------|-----------------------|-----------|---|
| ۱- استاد راهنما | دکتر سعید بزرگ بیگدلی | دانشیار |  |
| ۲- استاد مشاور | دکتر حسینعلی قبادی | استاد |  |
| ۳- استاد ناظر | دکتر حیات عامری | استادیار |  |
| ۴- استاد ناظر | دکتر سهیلا صلاحی مقدم | دانشیار |  |
| ۵- نماینده تحصیلات تکمیلی | دکتر حیات عامری | استادیار |  |

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم‌افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب زهرا فتحی دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۱ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:
تاریخ: ۹۳، ۱۱، ۱۴

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد، زهرا فتحی در رشته زبان و ادبیات فارسی است که در سال ۱۳۹۳ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر سعید بزرگ بیگدلی و مشاوره جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب زهرا فتحی، دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، مقطع کارشناسی ارشد، تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: زهرا فتحی

تاریخ و امضا:
۹۳، ۱۱، ۱۴

ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آنان که مهر آسمانی‌شان آرام‌بخش آلام زمینی‌ام است.

به استوارترین تکیه‌گاهم، دستان پر مهر پدرم

به زیباترین واژه زندگی‌ام، قلب صبور مادرم

به الطاف بیکران استاد فرزانه‌ام

و همه همراهان زندگی‌ام؛ خواهران و برادران بی‌همتایم و دوستان بی‌نظیرم.

که هر چه آموختم در مکتب عشق شما آموختم و هر چه بکوشم قطره‌ای از دریای بی‌کران

مهربانیتان را سپاس نتوانم گفت.

تشکر و قدردانی

سپاس خداوند یگانه‌ی بی‌همتا را که حیاتم بخشید و توان آموختن و کسب علم و دانش را بر وجود خاکی‌ام ارزانی داشت.

در کسب علم و دانش عزیزان بسیاری مرا مورد لطف خویش قرار داده‌اند که در اینجا بر خود واجب می‌دانم که از همه‌ی آنها قدردانی و تشکر نمایم:

در اینجا بسی شایسته است از استاد گرامی و فرهیخته‌ام جناب آقای دکتر سعید بزرگ بیگدلی به پاس تمام زحمات و راهنمایی‌های بی‌وقفه و مهربانی‌های بدون وصف‌شان، نهایت تشکر را به عمل بیاورم. همچنین کمال تشکر را از استاد فرزانه‌ام جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی که مشاوره این پایان نامه را بر عهده داشته‌اند و همیشه حرفهایشان تسلی‌بخش وجودم بوده است، دارم. از اساتید گرامی داور، سرکار خانم دکتر سهیلا صلاحی مقدم و سرکار خانم دکتر حیات عامری نیز به دلیل سعه صدر و زحماتشان سپاسگزارم و همچنین از دیگر اساتید گرامی‌ام جناب آقای دکتر ناصر نیکوبخت و جناب آقای دکتر غلامحسین غلامحسین زاده که درس زندگی را به من آموخته‌اند متشکرم. از جناب آقای دکتر مهرداد اکبری به خاطر تمام یاری‌ها و محبت‌های بی‌دریغ‌شان تشکر ویژه دارم و از خداوند منان برای ایشان توفیق روزافزون را آرزومندم. از خانواده گرامی‌ام به دلیل زحمات و مهربانی‌های بی‌حدشان بسیار ممنونم و خداوند منان را به خاطر وجود مهربان‌شان شاکرم. و در نهایت از تمامی دوستان گرامی‌ام که خواهرانه و دلسوزانه در تمام شادی‌ها و غم‌ها در کنارم بوده‌اند بسیار سپاسگزارم.

چکیده

اندیشه مرگ و زندگی یکی از مهم‌ترین اصول عقاید و باورهای آدمیان است. انسان از گذشته‌های دور تا کنون، بعد از آفرینش و مشاهده مرگ، همواره به دنبال جاودانگی و در آرزوی بی‌مرگی بوده‌است. از نظر مردمان گذشته و در اغلب آیین‌ها و دین‌ها، مرگ پایان زندگی و نابودی مطلق انسان نیست، بلکه می‌تواند عاملی برای زندگی بهتر و والاتر باشد. پژوهش حاضر با هدف بازشناسی نحوه ورود نمادهای اسطوره‌ای آفرینش در شاهنامه و مثنوی، و همچنین یافتن پیوند میان این عناصر اسطوره‌ای، شامل انسان، حیوان (گاو) و گیاه، و دریافت رابطه میان مرگ و زندگی مجدد آنها در این دو اثر صورت گرفته است، تا پاسخگوی این سوالات باشد که عناصر اسطوره‌ای، انسان، حیوان و گیاه، در شاهنامه و مثنوی چگونه نمود یافته‌اند؟ مرگ و زندگی این عناصر چه رابطه‌ای با هم دارند؟ تمایزات میان این آثار (شاهنامه و مثنوی)، در استفاده از این عناصر چگونه است؟

این پژوهش با بررسی دو اثر مذکور با رویکرد نمادگرایی و کهن‌الگویی و به شیوه بررسی توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیده‌است که: عناصر اسطوره‌ای، انسان، حیوان (گاو) و گیاه در شاهنامه به صورت شاهان و پهلوانان و در مثنوی در ارتباط با انسان‌های جاودانه و همچنین به صورت نمادهای درون‌گرایانه نمود یافته‌است؛ ارتباط میان مرگ و زندگی این عناصر در هر دو اثر به صورت مستقیم است، به گونه‌ای که مرگ یکی موجب زندگی و زندگی (رشد) یکی دیگر از عناصر موجب مرگ دیگری می‌گردد. تمایزات میان این دو اثر ادبی، شاهنامه و مثنوی، به دلیل دو حوزه متفاوت حماسه و عرفان است که هر کدام به فراخور موضوع خود، به شیوه عینی یا ذهنی از اساطیر بهره برده‌اند؛ هر چند نمی‌توان به تمایز مطلق میان دو اثر نیز قائل شد، چرا که استفاده از «نمادها و اسطوره‌ها»، می‌تواند عاملی برای اشتراک و همسانی شاهنامه و مثنوی باشد.

کلید واژه‌ها: اسطوره، عناصر آفرینش، نمادگرایی، کهن‌الگو، شاهنامه، مثنوی.

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۱ | فصل اول: مقدمه و کلیات طرح..... |
| ۲ | ۱-۱- مقدمه..... |
| ۵ | ۲-۱- بیان مسئله..... |
| ۵ | ۳-۱- سوالات تحقیق..... |
| ۶ | ۴-۱- فرضیه‌ها..... |
| ۶ | ۵-۱- پیشینه تحقیق..... |
| ۷ | ۶-۱- مواد و روش انجام تحقیق..... |
| ۷ | ۷-۱- مراحل تحقیق..... |
| ۹ | فصل دوم: مبانی نظری پژوهش..... |
| ۱۰ | ۱-۲- اسطوره..... |
| ۱۲ | ۲-۲- نماد و نمادگرایی..... |
| ۱۳ | ۳-۲- نماد و اسطوره..... |
| ۱۳ | ۴-۲- کهن‌الگو (آرکی تایپ)..... |
| ۱۴ | ۱-۴-۲- کهن‌الگوی مرگ و زندگی دوباره..... |
| ۱۵ | ۵-۲- اسطوره و آفرینش..... |
| ۱۶ | ۶-۲- آفرینش و مرگ در اساطیر ایران..... |
| ۱۷ | ۱-۶-۲- آفرینش و مرگ گیاه..... |
| ۱۹ | ۲-۱-۶-۲- گیاه (هوم) و جاودانگی..... |
| ۱۹ | ۳-۱-۶-۲- ارتباط گیاه و رستاخیز..... |
| ۲۰ | ۲-۶-۲- آفرینش و مرگ حیوان (گاو)..... |

- ۲۱ ۳-۶-۲- ارتباط مرگ گاو با زندگی گیاه
- ۲۲ ۷-۲- گاو در اساطیر ایرانی
- ۲۲ ۱-۷-۲- گوش (گوشورن)
- ۲۲ ۲-۷-۲- هدیوش (هدیوش)
- ۲۳ ۳-۷-۲- گاو سریسوک (سریسوک)
- ۲۴ ۴-۷-۲- گاو مرزیاب (محافظ مرز)
- ۲۴ ۵-۷-۲- گاو در آیین زردشتی
- ۲۵ ۱-۵-۷-۲- ارتباط گاو و گیاه در آیین زردشتی
- ۲۵ ۶-۷-۲- گاو در آیین میترائیسم (مهر)
- ۲۶ ۱-۶-۷-۲- ارتباط گاو و گیاه در آیین مهری
- ۲۷ ۸-۲- تقدس گاو در میان اساطیر ملل مختلف
- ۲۸ ۱-۸-۲- اساطیر مصری
- ۲۸ ۱-۱-۸-۲- منیفس
- ۲۸ ۲-۱-۸-۲- آبیس
- ۲۹ ۳-۱-۸-۲- ارتباط ایزیس و گاو
- ۲۹ ۲-۸-۲- اساطیر چین
- ۲۹ ۱-۲-۸-۲- گاو وُرزا
- ۳۱ ۳-۸-۲- اساطیر یونان
- ۳۱ ۱-۳-۸-۲- ارتباط دیونیزوس (ایزد نباتی) و گاو
- ۳۱ ۴-۸-۲- اساطیر هند
- ۳۲ ۱-۴-۸-۲- ارتباط ایندره (ایزد نباتی) با گاو
- ۳۲ ۹-۲- ارتباط میان نخستین انسان، حیوان (گاو) و گیاه در اساطیر ایران
- ۳۳ ۱-۹-۲- نخستین انسان
- ۳۳ ۱-۱-۹-۲- کیومرث

| | |
|----|--|
| ۳۵ |(میترا) ۲-۱-۹-۲ |
| ۳۶ | جمشید ۳-۱-۹-۲ |
| ۳۹ | ریشه نباتی (گیاهی) انسان نخستین در میان اساطیر ملل مختلف ۹-۲ |
| ۳۹ | اساطیر آفریقا ۱-۱۰-۲ |
| ۴۰ | اساطیر هند ۲-۱۰-۲ |
| ۴۱ | اساطیر ژاپن ۳-۱۰-۲ |
| ۴۲ | اساطیر اسکاندیناوی ۴-۱۰-۲ |
| ۴۳ | اساطیر آمریکا ۵-۱۰-۲ |
| ۴۵ | فصل سوم: شاهنامه |
| ۴۶ | ۱-۳ مقدمه |
| ۴۷ | ۲-۳ شاهنامه |
| ۴۸ | ۳-۳ حماسه و اسطوره |
| ۵۱ | ۴-۳ نماد و حماسه |
| ۵۱ | ۵-۳ انسان، حیوان (گاو) و گیاه در شاهنامه |
| ۵۳ | ۶-۳ آفرینش در شاهنامه |
| ۵۴ | ۷-۳ آفرینش انسان |
| ۵۴ | ۸-۳ نخستین انسان یا نخستین شاه |
| ۵۵ | ۱-۸-۳ کیومرث: نخستین شاه شاهنامه |
| ۵۷ | ۱-۱-۸-۳ ارتباط کیومرث با گیاه |
| ۵۸ | ۲-۱-۸-۳ ارتباط کیومرث با حیوان (گاو) |
| ۵۸ | ۳-۱-۸-۳ سیامک یا گاو یکتا آفریده |
| ۵۹ | ۹-۳ جمشید در شاهنامه |
| ۶۱ | ۱-۹-۳ ارتباط جمشید با گیاه |

- ۶۳ ارتباط جمشید با حیوان (گاو) ۲-۹-۳
- ۶۵ فریدون ۱۰-۳
- ۶۶ ارتباط فریدون و گیاه در اساطیر ۱-۱۰-۳
- ۶۶ ارتباط فریدون و گیاه در شاهنامه ۲-۱۰-۳
- ۶۸ ارتباط فریدون با حیوان (گاو) ۳-۱۰-۳
- ۶۹ گاو برمایه (پرمایه) ۱-۳-۱۰-۳
- ۷۰ ارتباط آبتین با گاو ۲-۳-۱۰-۳
- ۷۲ گرز گاوسر ۴-۱۰-۳
- ۷۲ ارتباط فریدون با گرز گاوسر ۱-۴-۱۰-۳
- ۷۴ فریدون (ایزد نباتی)، ضحاک (اژدهای خشکسالی) ۵-۱۰-۳
- ۷۵ دختران جمشید (برهای باران‌زا) ۶-۱۰-۳
- ۷۶ جشن مهرگان ۷-۱۰-۳
- ۷۸ جایگاه سیاوش در اساطیر ۱۱-۳
- ۷۹ سیاوش، نخستین انسان ۱-۱۱-۳
- ۸۱ جایگاه سیاوش در شاهنامه ۱۲-۳
- ۸۲ سیاوش: خدای نباتی ۱-۱۲-۳
- ۸۳ الهه باروری ۲-۱۲-۳
- ۸۴ مادر سیاوش ۱-۲-۱۲-۳
- ۸۶ نامادری، سودابه ۲-۲-۱۲-۳
- ۸۷ همسران سیاوش ۳-۲-۱۲-۳
- ۸۷ فرنگیس ۴-۲-۱۲-۳
- ۸۸ سوگواری الهه باروری (فرنگیس) ۵-۲-۱۲-۳
- ۸۸ ارتباط سیاوش با گیاه ۳-۱۲-۳
- ۸۹ رستاخیز نباتی: کیخسرو ۱-۳-۱۲-۳

- ۹۱ ۳-۱۲-۵-ارتباط سیاوش با حیوان (گاو)
- ۹۳ ۳-۱۳-۱-رستم
- ۹۴ ۳-۱۳-۱-ارتباط رستم با گرز گاوسر
- ۹۴ ۳-۱۳-۲-ارتباط رستم با گیاه
- ۹۵ ۳-۱۳-۲-۱-گیاه هوم
- ۹۶ ۳-۱۳-۳-تولد رستم
- ۹۷ ۳-۱۳-۴-رستم و آدونیس
- ۹۸ ۳-۱۳-۵-ارتباط گیاه هوم با می (خون)
- ۹۹ ۳-۱۳-۶-نوشدارو
- ۱۰۰ ۳-۱۳-۷-ارتباط سیمرغ با گیاه هوم
- ۱۰۲ ۳-۱۴-۱-اسفندیار
- ۱۰۳ ۳-۱۴-۱-ارتباط اسفندیار با گیاه
- ۱۰۳ ۳-۱۴-۲-رویین تنی (زندگی) اسفندیار
- ۱۰۳ ۳-۱۴-۲-۱-زنجیر زردشت
- ۱۰۴ ۳-۱۴-۲-۲-آب مقدس و رویین تنی
- ۱۰۴ ۳-۱۴-۲-۳-گیاه و رویین تنی
- ۱۰۵ ۳-۱۴-۲-۳-۱-گیاه (درخت انار)
- ۱۰۵ ۳-۱۴-۳-مرگ اسفندیار
- ۱۰۶ ۳-۱۴-۳-۱-درخت گز
- ۱۰۸ ۳-۱۴-۴-اسفندیار: خدای نباتی
- ۱۰۹ ۳-۱۴-۴-۱-درخت سرو
- ۱۰۹ ۳-۱۴-۴-۲-خواهران اسفندیار (ابرهای بارانزا)
- ۱۱۰ ۳-۱۴-۴-۳-مویه و سوگواری
- ۱۱۱ ۳-۱۴-۴-۴-ارتباط اسفندیار با گرز گاوسر

- ۱۱۱ ۳-۱۴-۴-۵- رستاخیز خدای نباتی و انتقام‌گیری
- ۱۱۳ فصل چهارم: مثنوی
- ۱۱۴ ۴-۱- مقدمه
- ۱۱۵ ۴-۲- مثنوی
- ۱۱۵ ۴-۳- عرفان و اسطوره
- ۱۱۷ ۴-۴- حماسه و عرفان
- ۱۱۸ ۴-۵- حماسه عرفانی
- ۱۱۹ ۴-۶- عرفان و نماد
- ۱۲۰ ۴-۷- آفرینش (مرگ و زندگی)
- ۱۲۱ ۴-۸- مرگ و زندگی در مثنوی
- ۱۲۲ ۴-۸-۱- مرگ اجباری و مرگ اختیاری
- ۱۲۴ ۴-۹- آفرینش انسان در مثنوی
- ۱۲۴ ۴-۹-۱- آفرینش انسان از خاک
- ۱۲۵ ۴-۹-۲- ارتباط انسان و گیاه
- ۱۲۵ ۴-۹-۲-۱- منشأ گیاهی انسان
- ۱۲۹ ۴-۱۰- تقدس گیاه و درخت در مثنوی
- ۱۳۰ ۴-۱۰-۱- گیاه (درخت) و حضرت آدم (ع)
- ۱۳۲ ۴-۱۰-۲- رویدن گیاه از اشک آدم (ع)
- ۱۳۲ ۴-۱۰-۳- درخت طوبی و سدره المنتهی (درخت کیهانی)
- ۱۳۳ ۴-۱۰-۴- شجر اخضر (حضرت موسی (ع))
- ۱۳۴ ۴-۱۰-۵- گیاه و حضرت سلیمان (ع)
- ۱۳۴ ۴-۱۰-۵-۱- درخت خروب
- ۱۳۵ ۴-۱۰-۶- درخت دانش: جاودانگی

- ۱۳۷ ۴-۱۰-۷- ارتباط گیاه با رستاخیز (تولد دوباره)
- ۱۳۹ ۴-۱۱- ارتباط انسان (مرگ و زندگی) و حیوان (گاو) در مثنوی
- ۱۴۰ ۴-۱۱-۱- ارتباط حضرت آدم (ع) با حیوان (گاو)
- ۱۴۱ ۴-۱۱-۲- نقش حیوان (گاو) در داستان حضرت موسی (ع)
- ۱۴۲ ۴-۱۱-۳- گاو نفس
- ۱۴۴ ۴-۱۱-۴- قربانی کردن (مرگ و زندگی)
- ۱۴۶ ۴-۱۱-۵- صور اسرافیل: ارتباط گاو با رستاخیز
- ۱۴۸..... فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری. پیشنهادها
- ۱۴۹ ۵-۱- نتیجه‌گیری
- ۱۵۴ ۵-۲- پیشنهادها
- ۱۵۵ منابع و مأخذ
- ۱۶۳..... ضمائم (ترجمه آیات قرآن کریم)
- ۱۶۵..... چکیده انگلیسی

فصل اول:

مقدمه و کلیات طرح

۱-۱- مقدمه

یکی از مباحث عمده‌ای که در طول سالیان در ادبیات ملتها و به خصوص در ادبیات فارسی نمود پیدا کرده، بحث «اسطوره» است. اسطوره از نظر محققان به گونه‌های متفاوتی تعریف شده‌است. الیاده معتقد است که، اسطوره (میتولوژی) متضمن سرگذشتی قدسی و مینوی و راوی واقعه‌ای است که در زمان آغازین رخ داده‌است، به بیان دیگر اسطوره می‌گوید که در سایه اعمال برجسته موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی چون کیهان، گیاهی خاص، کرداری پهلوانی، تمدنی جدید و ... به وجود آمده‌است، از این رو همیشه در بردارنده روایت یک خلقت است. (۱۳۶۲: ۱۵). از دید رزنبرگ، «اسطوره در مکتب پدیدارشناسی، روایت‌گر آفرینش، سرگذشت ایزدان، کیهان‌شناخت و فرجام‌شناسی هر ملت، قوم یا قبیله است. به عبارت دیگر، اسطوره تاریخ مینوی و مقدس کیهان است، پس رازآمیز می‌نماید» (رزنبرگ، ۱۳۸۱: ۹). در این دیدگاه‌ها می‌توان اساطیر را با آفرینش و خلقت‌های آغازین در ارتباط دانست. غالب اسطوره‌ها از چگونگی ظهور پدیده‌هایی همانند انسان، جهان، حیوانات مشخص و نموده‌های اجتماعی سخن می‌گویند. «اسطوره خالق تاریخ مقدس مردمان است. نخست اسطوره آفرینش در جهان مطرح می‌گردد و سپس این اسطوره در اساطیر بعدی تأثیر می‌گذارد. اسطوره بنیادی از آغاز جهان و چگونگی آغاز تاریخ سخن می‌گوید» (پاریندر، ۱۳۷۴: ۱۷). اسطوره از منظر یونگ، عرضه و ارائه دقیق فرهنگی از محتوای عمیق‌ترین بخش‌های روان آدمی، یا به عبارتی از جهان کهن‌الگوها است. (رک. عباسلو، ۱۳۹۱: ۸۷). یونگ از جمله نظریه‌پردازانی است که نظریه کهن‌الگوها در اساطیر مطرح کرده‌است. «یونگ، تصاویر جهان‌شمولی را که در ضمیر ناخودآگاه جمعی جای

دارند، «کهن‌الگو» می‌نامد و اسطوره را نمود آن می‌داند. به بیان دیگر، اسطوره راهنمای فهم کهن-الگوهاست و با بررسی شخصیت‌های اسطوره‌ای در واقع شناخت دقیقی از کهن‌الگوها کسب می‌کنیم» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۳). کهن‌الگوها در ارتباط با اساطیر می‌توانند به صورت نمادین در آثار ادبی جهان بروز و ظهور یابند. از این رو، اسطوره‌ها به واسطه کهن‌الگوهای ناخودآگاه جمعی حیات می‌یابند و به صورت رمز و نماد ظهور می‌یابند. (رک. حرّی، ۱۳۸۸: ۱۶). در بررسی آثار ادبی باید کوشید تا رمزها و نمادهای موجود در متن ادبی را کشف کرد. تا از این راه، بتوان با کشف معانی ضمنی به الگوهای کهن اسطوره‌ای، دست یافت. در این صورت، نمادها از مهم‌ترین مقوله‌های کشف الگوهای اسطوره‌ای در متن به حساب می‌آیند. نمادگرایی یا سمبولیسم یعنی به کار بردن نماد به عنوان یک نوع شیوه بیان در هنر و ادبیات است. «نماد در معنای راستین و نهادین آن، نشانه‌ای رازوارانه، چند سویه و چند رویه است. نماد، زاده ناخودآگاهی است؛ به ویژه ناخودآگاهی تباری و همگانی. رویا اسطوره‌ای فردی است، بدان‌گونه که اسطوره رویای تباری و همگانی است. ناخودآگاهی فردی بیشتر به زبان رویا با ما راز می‌گوید و زبان ناخودآگاهی همگانی، زبان نمادها است. از این روی در اسطوره که رویای همگانی است ما همواره با نمادها روبه‌رو هستیم» (کزازی، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۷). در این مباحث ارتباط میان اسطوره، کهن‌الگو و نمادگرایی به خوبی مشهود است. می‌توان گفت کهن‌الگوها همان اساطیرند که به اقتضای فرهنگ و جامعه بشری در شکل رمز و نماد، واقعیت‌های پنهان را در نهاد خود دارا می‌باشند.

یکی از بن‌مایه‌ها و کهن‌الگوهای اسطوره‌ای "آفرینش، مرگ و تولد دوباره" است، که به صورت نمادین در آثار ادبی نمود یافته‌است. از دید الیاده «یکی از پنداره‌های اصلی در اسطوره آفرینش این است که زندگی تنها می‌تواند از زندگی دیگری که قربانی می‌شود، زاده شود. مرگ سخت، آفریننده است. از این لحاظ زندگی قربانی شده، خود را در شکل درخشان‌تری از زندگی در سطح دیگری از هستی متجلی می‌سازد» (الیاده، ۱۳۸۱: ۱۷۹). مرگ و نوزایی یکی از متداول‌ترین کهن‌الگوهای موقعیت است که نتیجه انطباق چرخش طبیعت با گردش حیات می‌باشد. (رک. سخنور، ۱۳۷۰: ۳۰). این باور اسطوره‌ای در میان تمامی ملّت‌ها رواج داشته، و به صورت‌های گوناگون در آثار ادبی و غیر

ادبی نمود یافته‌است. به گونه‌ای که جیمز جورج فریزر (J. G. Frazer)، منتقد اسطوره‌گرایی انگلیسی، پس از مطالعه‌ی فرهنگ‌ها و رفتارهای فرهنگی، اعلام کرد که کهن‌الگوی مرگ و تولد دوباره، تقریباً در تمامی اسطوره‌های فرهنگی به چشم می‌خورد. (رک. عباسلو، ۱۳۹۱: ۸۷). با توجه به این مباحث می‌توان گفت، مرگ و زندگی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در طول حیات او بوده‌است، که این اندیشه از آغاز آفرینش بشر تا به امروز ادامه دارد.

اینکه زندگی آدمیان اصولاً در ارتباط با طبیعت اطراف خود و بر فصل بذرپاشی و برداشت محصول استوار بوده، بین آنها و زمین پیوند عمیقی ایجاد نموده، و به نباتات در زندگی جنبه‌ای قدسی بخشیده‌است. مشاهده تکرار مرگ و زندگی مجدد گیاهان در فصول مختلف، سبب شده‌است که، بشر «توان فراانسانی برای رستنی‌ها متصور می‌شود. گیاهان قادرند زندگی کنند، بمیرند و دوباره زنده شوند، زنده شدن دوباره رستنی‌ها سبب می‌شود انسان ابتدایی آنها را چون خدایان، نامیرا بداند، از این‌رو گاه به شکل خدایان در میان اقوام مختلف تقدس می‌یابند و مورد ستایش قرار می‌گیرند» (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). از دید پژوهشگران، شباهت مسئله آفرینش و مرگ، برای انسان و گیاه، سبب ایجاد تفکر "وجود وحدت میان انسان و گیاه" در ذهن بشر شده‌است. (رک. باستید، ۱۳۷۰: ۵۹). در اساطیر، تصور اینکه انسان و به خصوص انسان‌های نخستین از گیاهان بیرون آمده باشند، عمومیت دارد. به گونه‌ای که، «در اسطوره‌های جوامع دیگر نیز بن‌مایه تولد انسان از گیاه مشاهده می‌شود. گاهی نیز با مرگ انسانی از بقایای تن او گیاه می‌روید. به این ترتیب آشکار می‌شود که زندگی و مرگ انسان و گیاه، رابطه‌ای دو سویه است» (اکبری گندمانی، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

در اسطوره‌های باستانی، می‌توان شاهد حضور یک حیوان، گاو، در کنار انسان بود. گاو از جمله مهم‌ترین حیوانات اهلی در زندگی بشر بوده که داستان‌های مربوط به این حیوان مقدس به صورت‌های گوناگون در آثار ادبی راه یافته‌است. «گاو معیار مشترک‌گذاری است. زبان هندی باستان که آریایی است، بر اهمیت عمده گاو در زندگی ملت‌ها گواهی می‌دهد. در سرودهای زردشت، انسان و گاو، مهم‌ترین موجودات طبیعی هستند و از طریق فرهنگ کشاورزی که آن را در اوستای متأخر می‌

یابیم، گاو نقش مهم خود را، هم در زندگی و هم در آئین‌ها حفظ می‌کند که مواظبت از آن وظیفه‌ای مقدس است» (کریستن‌سن، ۱۳۷۷: ۵۳). آفرینش این حیوان در اساطیر ایرانی به طور مشخصی در کنار انسان نخستین رخ می‌دهد و به نوعی می‌توان گفت مرگ و زندگی این دو، «انسان نخستین و گاو» در شرایطی یکسان رخ می‌دهد. «یک گاو اولیه و یک انسان اولیه با هم پیش از آغاز جهان بشری وجود داشته‌اند» (همان، ۴۹).

با توجه به مباحث فوق، بازنمایی نحوه ورود عناصر و نمادهای اسطوره‌ای آفرینش از جمله، انسان، حیوان (گاو) و گیاه در آثار ادبی، خصوصاً در شاهنامه و مثنوی ضرورت دارد، که در این پژوهش بدان پرداخته‌ایم.

۱-۲- بیان مسئله

این پژوهش با هدف بازشناسی ورود نمادهای اسطوره‌ای در شاهنامه و مثنوی و یافتن پیوند میان مرگ و زندگی عناصر آفرینش؛ انسان، حیوان (گاو) و گیاه در این دو اثر، در صدد پاسخگویی به سوالات مورد نظر است.

۱-۳- سوالات تحقیق

۱. موضوع مرگ و زندگی در رابطه انسان و حیوان (گاو) و گیاه، در شاهنامه و مثنوی چگونه نمود پیدا کرده‌است؟
۲. سه عنصر آفرینش «انسان، حیوان (گاو) و گیاه» در شاهنامه و مثنوی چه رابطه‌ای با هم دارند؟
۳. عناصر مورد اشاره در شاهنامه و مثنوی چه تمایزاتی با هم دارند و آن‌ها را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟